

# تراژدی نفس در قرآن

دکتر عباس امیدالله کاشانی

سرشناسه: امیدالله کاشانی / عباس  
عنوان و نام پدیدآور: ترازوی نفس در قرآن / عباس امیدالله کاشانی  
مشخصات نشر: تهران - البرز فردانش ۱۳۹۶  
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص - رقعی  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲-۰۹۲-۵  
موضوع: جنبه‌های قرآنی  
بندی کنگره: ۱۰۴ BP ۱۳۹۶ الف ۷ ن /  
رد بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹  
شماره کتاب: ۸۳۲۲/۹۳

عنوان: ترازوی نفس در قرآن  
نویسنده: دکتر عباس امیدالله کاشانی  
مشخصات نشر: تهران - البرز فردانش ۱۳۹۶  
مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص - رقعی  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲-۰۹۲-۵  
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶  
تیراژ: ۱۰۰۰  
صحافی / چاپخانه: نشاط  
قیمت: ۸۵۰۰ تومان

کتاب حقوقی و معنوی این اثر برای مولف محفوظ می‌باشد.



البرز فردانش:

ضلع شمال غربی بل سیدخندان - اول خیابان شقایق - کوچه بن بست اول - پلاک ۲ - واحد ۱۲

آدرس ایمیل: alborz22 887501@ yahoo.com

آدرس وب سایت: www.alborz80.ir

تلفن: ۲۲۸۸۷۵۰۱ - ۲۲۸۶۰۲۶۰

## فهرست مطالب

|          |                          |
|----------|--------------------------|
| ۱.....   | در معنای نفس.....        |
| ۳۰.....  | چیستانی نفس.....         |
| ۴۷.....  | ظلم نفس.....             |
| ۸۵.....  | خسران نفس.....           |
| ۹۵.....  | کراهت نفس.....           |
| ۱۰۹..... | خیانت نفس.....           |
| ۱۱۷..... | نسیان نفس.....           |
| ۱۲۸..... | سلطنت نفس.....           |
| ۱۴۵..... | نفس شیطان و نفس.....     |
| ۱۸۱..... | کفران نفس.....           |
| ۲۰۳..... | استکبار و غرور نفس.....  |
| ۲۲۷..... | عفت نفس.....             |
| ۲۳۶..... | تصویر انسان در قرآن..... |

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الحمد لله رب العالمین، الصلاة والسلام على محمد وآله علیه وعلیهم آلاف التحية والسلام و على كل نفوس المطمئنة و الخیار و الابرار و على عباد الله الصالحین. یا ابتها النفس المعانیة ارجع الی ربك راضية مرضية فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی.

سخن پیرامون بهانه آید و به متنی و تبیین اساس پروژه خلقت میباشد. برآستی بهای این بهانه اندکی است. همان مخلوقی که در هنگامه ملائکه مقربین زبان به نگرانی گشودند که پروردگارا، او همان است که زمین تبادر به فساد و سفک دماء می کند.

آیا انسان در برابر این هزینه کلان و اراده عظیم الهی امینی مناسب و نیز اهلیت قابل را دارا می باشد؟ و برآستی این دردانه دینی کیست؟ آیا به درستی و حقیقت می توان تعریفی کامل و جامع از اراده نهمه و به شأن این موجود عارف گردید؟

با تأملی به مراتب عنایت خداوند متعال و خالق کائنات در منزلت انسان و علی رغم بیان انتقاد گونه کروییان مقربین، آنان را به سجده این موجود و امید دارد و انسان را قبله ملائک عباد و اصحاب مقیم عرش قرار می دهد و چنین جایگاهی را در آسمان برای خلیفه زمینی خود مقرر می دارد. از سوی دیگر همه ی وسعت هستی و مخلوقات جهان آفرینش را به تسخیر او

در آورده و فرمانداری آن را به انسان تفویض می نماید. با توجه به این معنی که این همه تصمیم و اراده از حکیم مطلق ناشی می گردد، پس بر ماست که همه مجال را بر معرفت این اشرف کائنات هزینه کنیم. آری این بزرگترین معرفت انسان است.

عرفت این معنی که داستان انسان چیست؟

انسانی که به بهترین صنعت هندسی و معماری خلقت و احسن تقویم آفرینش یافته که مورد تبریک خالق واقع شده است و این همه احترام و تعظیم و تکریم برای این قامت استوار و آناتومی بی بدیل و نیز عظمت ساختمان فیزیکی او، تحویه هزاران هزاران تناسبات، محاسبات و معادلات ریاضی و هندسی مبتنی بر نهایت هنر معماری و صنعت ربوبی و نیز فیزیولوژی بدن ماس او، این همه گرچه خود فی نفسه، از بدیهی ترین آیات بینات حضرت بار تعالی می باشد، و از عناصر مبین و منشور شناخت همه اسماء حسنا حضرت ماس است. خوب می گردد خود بستر و ابزار معرفت الهی است نیز گویای حقیقتی اعظم است که همانا اینکه حقیقت انسان کدام است؟

آیا همین موجود مورد اشاره و این اعجوبه ماسی است و یا حکایتی دیگر است؟

آیا منشور آفرینش و همه خطاب خداوند به این صلیع بی بدیل است و یا به حقیقتی دیگر؟

بآندبر و تحقیق در کتاب آسمانی قرآن کریم و اندیشه زلال عرفانی به این حقیقت نایل می گردیم که با توجه به انسان و ماسوی او که شامل همه موجودات متنوع جهان می شود و با تبعیت از نقد عقل سلیم که خود از اهم محتوای انسان می باشد و از جمله اساسی ترین بخش این صنعت است

بی می بریم که حقیقت همانا این ترکیب جسمانی نیست بلکه همانا موضوع انسان نفسانی است و در واقع آن خلقت دوم است که عبارت است از حقیقت نفس انسان و این همه به علاوه‌ی همه‌ی دیگر هستی از برای نفس انسان و یا انسان نفسانی کسوت وجود بر تن نموده اند.

\*و به تعریف دانشمند غرب دکتر الکسیس کارل که میگوید:

علوم تشریح، شیمی، قیافه شناسی، روانشناسی تعلیم و تربیت و تمام رشته های مختلف آن، هنوز نتوانسته است حقیقت انسان را موشکافی کند و انسان را که مخصص فن تشریح شناخته اند غیر از انسان واقعی است.

### **\*دکتر الکسیس کارل در ادامه میگوید:**

تقریباً این انسان که آن ها تعریف میکنند یک هیكل خیالی است که هر کدام از آن ها خیلی مختصر و کوتاه درباره آن قضاوت کرده اند، عالم تشریح و عالم روانشناس و عالم شیمی. هر کدام جداگانه چیزهایی گفته اند که قضاوت های آنان شاید در بیشتر از قسمت ها با یکدیگر مخالف است. زیرا عالم تشریح انسان مرده ای را تحت مطالعه قرار داده و استاد روان شناس انسان زنده را بر حسب ظاهر او تعریف کرده و عالم شیمی به هیچ کدام از این دو تعریف نرسیده و در نتیجه مطالعات و قضاوت های آنان با یکدیگر اختلاف زیاد پیدا می کند.

### **(انسان موجود ناشناخته)**

آری در عرصه تکثر و تنوع هستی و نظام ارگانیك آفرینش، تنها موجود کامل که موضوع تجلی و ظهور آن بی همتای لایتناهی واجب الوجود است تنها و تنها وجود فارد انسان است. اوست که با نیاز خود پرده از ناز آن باری یگانه بر می کشد و با صعود به قلّه‌ی عرفان در مقابل آن فرد احد صمد

به رکوع قامت می‌شکند و از تشدید خضوع به سجده خشوع خرد می‌شود و دیگر تاب قیام ندارد مگر به حول الله و قوته، آری انسان است که فقط به مقام خلیل الله و کلیم الله و حبیب‌الله و... نایل می‌گردد.

### پس به حقیقت انسان کیست؟

بناظر می‌رسد معرفت انسان و حقیقت او یعنی معرفت نفس، کلید حقیقی هم معارف انسان و مفتاح اصلی رستگاری و فلاح اوست.

فیلسوف عرب ابوبوسف یعقوب بن اسحاق کندی در رساله حدود و رسوم اشیاء عاریف ششگانه‌ای از قدما در حد فلسفه نقل میکند که بنابر قول پنجم در عربیه فلسفه می‌گوید:

الفلسفة معرفة الانسان (رساله کندی چاپ مصر)

و بیان بوعلی سینا<sup>۱</sup> در قدومه که بعضی از قدما اعتقاد بر آن دارند که: ان الانسان يَكِل كل شيء

و به این تعبیر انسان را میزبان همه سیاه تعریف نموده اند<sup>۲</sup>.

با اندیشه در این بیانات به یک حقیقت مسلم و قطعی می‌رسیم که براستی انسان موضوع و بهانه اصلی آفرینش است و در این معنی شناخت این موجود، همه وسعت فلسفه را دربر می‌گیرد. این خود، ما را به هدف نهایی این خلقت عظیم رهنمون می‌سازد و هم معارف و علم و دانش را منحصر در معرفت این وجود قدسی دانسته و در این عرصه همه دست آوردها و فرآورده های علمی، تکنولوژی و صنعت در همه زمینه‌ها را نهایت مبتنی بر استخدام شناخت انسان و ابزار تکامل معرفتی او به آن یگانه

(شفاء بوعلی سینا)

عالم و قادر مطلق و وجود واجب و مرتبت توحید و در نهایت مقام تعبد و تسلیم و مقام راضیه مرضیه نفس انسان است. مولایمان علی ابن ابیطالب علیه السلام می‌فرماید:

عرفت النفس انفع المعارف.

و برآستی که شناخت نفس مصباح راه کمال انسان است و بدون این معرفت انسان همواره در گمراهی و ضلالت حیران می‌ماند و به تعبیر شمس سعیدی:

«مرا به هیچ بابی مان حواله دگر که من حقیقت خود را کتاب می‌بینم»  
و به قول بابا افضل<sup>۲</sup> رانی که: از خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی.  
\*سقراط حکیم نیز در همین معنی می‌گوید:

بیهوده در شناختن موجودات خرد بی‌روح رنج مبر، بلکه خود را بشناس که شناختن نفس انسان، سرآغاز شناختن اسرار طبیعت است. در تفسیری از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در مورد روایت مروری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نه می‌فرماید:

اطلبو العلم و لویاالصین آمده است که:

ذلک العلم بقوله هو علم معرفة النفس و فیها معرفة الرب<sup>۳</sup>.  
با اندیشه در این بیانات نورانی بدیهی است که شناخت نفس را این صنعت عظیم الهی هر عقل سالم و سلیمی را بر وجود باری تعالی دلالت می‌کند چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ستریم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم<sup>۴</sup>

<sup>۲</sup> (قوانم الانوار و طوابع الاسرار)

<sup>۳</sup> سوره فصلت آیه ۴۱

در کتاب شریف غرر و در علم الهدی سید مرتضی رضوان الله تعالی علیه آمده است که:

ان بعض ازواج النبی(ص) سالتہ متی يعرف الانسان ربه؟  
فقال: اذا عرف نفسه.

بنی: بعضی از همسران پیامبر گرامی اسلام (ص) از آن حضرت سؤال کردند که چه زمانی انسان خدایش را می شناسد و آن حضرت پاسخ می دهد که: هنگامی که نفسش را شناخت.

بنابراین در این بیان حضرت نیز معرفت خدا موقوف به معرفت نفس انسان است. بنویسندگان جاهل در این تألیف بر آن نیست که در باب معرفت نفس این خامبران را با بضاعت اندک خود به چرخش درآورم، زیرا این مهم از فرزندگان مناله ساخته است.

آنچه این حقیر در پی آن حکایت، تباردی نفس در کتاب مبیین آسمانی قرآن است که چرا انسان با این همه عنایات و الطاف حضرت حق که همه آفرینش را برای لقاء خود محکوم مسخر اشف مخلوقاتش یعنی انسان، اراده فرموده است با جهل و ظلم و طغیان و تحریک نفس در مقابل اراده باری تعالی، علم کفران برافراشته و الهه هوی را معبود خود می پندارد و شأن خود را از انعام نیز ساقط می کند که اولئک دالان نام بر هم اضل. امید است هشداری برای همه نفوس منصفه واقع و اندازی در ترک برای پیروان حقیقی اسلم باشد.

و السلام علی من اتبع الهدی

العبد العاصی

عباس امید الله کاشانی